

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

نکاتی در مورد سالروز بزرگداشت حضرت معصومه سلام الله عليها

امروز مصادف با اول ماه ذیقعدة الحرام و مصادف با ولادت باسعادت حضرت معصومه (سلام الله عليها) است. ولو این که از نظر تاریخ نمی شود به صورت دقیق این را گفت اما مرحوم والد ما (رضوان الله تعالی علیه) یک بیان جالبی داشتند و می فرمودند بالأخره این بانو یک روز به دنیا آمده و یک روز رحلت فرموده و این همه برکاتی که امروز در قم به عنوان حوزه علمیه یا این که قم و قمی ها مبدأ و منشأ انقلاب شدند، این همه کتاب هایی که در این شهر توسط علما و بزرگان نوشته شده، اینها تمام به برکت این بانوی مکرمه است و در این مسئله تردیدی وجود ندارد. لذا باید یک روز را تکریم کنیم و لو از جهت تاریخی دلیل محکمی هم برایش نباشد اما بالأخره یک روزی را به عنوان ولادت آن حضرت، یک روزی به عنوان ارتحال آن حضرت باید قرار داده شود.

البته برخی انتقاد می کنند که این گونه امور سبب می شود که در موارد دیگر هم تردید جریان پیدا کند، جواب این است که خیر، موارد دیگر ادله ی روشن داریم ولو این که موارد دیگر هم اگر چنین مسئله ای باشد همین جواب داده می شود ولی خیلی از موارد را فریقین اتفاق دارند یا یک مقدار اختلاف کمی وجود دارد. بنابراین امروز را گرامی می داریم و امیدواریم که عنایت این بانو بر همه ما و بر حوزه علمیه و بر همه شیعیان، بر انقلاب بیش از گذشته باشد.

ما یک سرمایه ی بسیار بزرگی را در اختیار داریم اما قدردان آن نیستیم آنطوری که باید و باشد از آن استفاده نمی کنیم ما هر روز باید توجه به این بی بی داشته باشیم ولو در منزل خودمان از آنجا سلامی بدهیم و زیارتی کنیم، حالا که موفق به تشریف نیستیم به خاطر این ویروس کرونا، از بیرون عرض ادب کنیم، یک ارتباط قلبی و باطنی بین خودمان و بین این بی بی ایجاد کنیم، بزرگان فقهایی ما چه خاطره ها و چه آثار و کرامت هایی را از این بانوی بزرگ نقل کردند که قاعدتاً در کتابها ملاحظه فرمودید.

در هر صورت این ذخیره ای که خدای تبارک و تعالی و یادگاری که از امامت در قم هست و قم را عَش آل محمد (صلی الله علیه و آله) قرار داده این توفیق بسیار بزرگی برای قمی ها و برای حوزه و حوزویان است و ما باید از این بانو استمداد کنیم برای تحکیم مبانی اهل بیت و مکتب اهل بیت (علیهم السلام)، تا قم و حوزه قم بتواند دفاع کند از اسلام حقیقی، از اسلام اهل بیت (علیهم السلام) ان شاء الله.

من این خاطره را سال های گذشته گفتم، مرحوم والد ما (رضوان الله علیه) می فرمودند من راجع به آیه تطهیر «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»^[1] سؤالات بسیار زیاد و بدون جواب داشتم. یک بار مشرف شدم خدمت

بی‌بی و چون ایشان از طرف مادری متصل به حضرت معصومه بودند خطاب می‌کردند یا عمّتی، به حضرت خطاب کردند که این بار که آمدم نه از شما خانه می‌خواهم، نه پول می‌خواهم، نه مقام می‌خواهم، هیچی نمی‌خواهم، شما این سؤالاتی که در مورد این آیه در ذهنم هست راهی برای جوابش برایم قرار بدهید، فرمود از حرم که بیرون آمدم تا منزل همینطور جواب‌ها برای من روشن می‌شد و من سفارش می‌کنم کتاب چهره‌های درخشان ایشان را بخوانید در آیه تطهیر شاید قوی‌ترین کتابی است که در آیه تطهیر نوشته شده، این را ادعا نمی‌کنم، بخوانید، ممکن است بعد از آن کتب مفصل‌تری آمده باشد ولی تا آن زمان قوی‌ترین کتاب بود که در آیه تطهیر نوشته شده‌است.

کسی که می‌تواند نسبت به آیات کتاب الهی یک چنین تصرفی را انجام بدهد نسبت به یک مرض ظاهری نمی‌تواند انجام بدهد؟ البته به اذن خداست، چون ائمه ما هم که انجام می‌دهند به اذن خداست، وهابیت نادان هستند فکر می‌کنند شیعه خود امام حسین، پیامبر یا امیرالمؤمنین موثر و علت تامه می‌داند در شفا دادن، ابداء، به هیچ وجه اینطور نیست. ما اینها را واسطه تقرب الی الله می‌دانیم، به واسطه اینها پیش خدا اعتبار پیدا می‌کنیم، اعتبار که پیدا کردیم خدا حاجات ما را می‌دهد، اینها در درجه اعلاّی از وسیله هستند که می‌آیند پائین‌تر، حضرت معصومه، زینب کبری، حضرت عباس، پائین تر اولیا، علما، صلحا، همه می‌توانند وسیله قرار بگیرند برای این‌که بین انسان و خدای تبارک و تعالی وسیله باشند.

یک وقتی در زمان مرحوم والدeman من از دفتر ساعت یک و نیم عصر بیرون آمدم دیدم یک آقای یک ساکت کوچکی دستش است. تا من را دید گفت آقا من با شما یک کاری دارم، گفتم من صبح تا حالا اینجا بودم خیلی خسته هستم شما پیداست مسافر هم هستید، بروید داخل دفتر استراحت کنید ناهار بخورید من هم عصر می‌آیم، گفت نه، اگر لطف کنید چند دقیقه یک کار خیلی ضروری دارم، گفتم بفرمائید، برگشتم داخل دفتر در ورودی دفتر نشستم و به اتاق داخل هم نرفتم، گفت من مسیحی هستم و تکنسین موتورهای چاه‌های عمیق هستم الان هم 15 حلقه چاه در کرج قرارداد بستم و آنجا هستم، سه شب گذشته من این خواب را می‌دیدم: شب اول یک بانویی خیلی مجلله نورانی آمد سراغ من در عالم رؤیا به من گفت صلوات بفرستید، عرض کردم خانم من مسیحی هستم صلوات شعار مسلمان‌هاست، تا این را می‌گفتم ایشان محو می‌شد و می‌رفت، فردا شب دوباره عین همین قضیه تکرار شد من هم همین جواب را دادم، شب سوم گفت امام خمینی (رضوان الله علیه) به خوابم آمد با تشر به من فرمود می‌خواهند هدایت کنند نمی‌فهمی؟ عرض کردم چکار باید کنم؟ می‌گفت شب دوم فهمیدم این بانو همین است که در قم مدفون است، امام فرمود حضرت می‌خواهد تو را هدایت کند وقتی می‌خواهد صلوات بفرست برای این‌که به راه اسلام و مسلمین بیا، گفتم آقا چکار کنم؟

فرمود برو پیش یکی از علمای قم آنجا اسلام بیاور، گفت در همان عالم رؤیا آمدم قم و پیش شما شهادتین را گفتم، حالا هم آمدم که شهادتین را بگویم، گفت وضع مالی‌ام خوب است همه خانواده‌ام مسیحی هستند و من را ترک خواهند کرد ولی من به اینها کار ندارم و خودم این مسیر را انتخاب کردم، شهادتین را گفتم و چند روز هم قم نگه داشتیم، خدا رحمت کند آقای موسیانی در دفتر بود احکام اولیه را یادش داد، من آن روز به این گفتم تو یک کاری کردی که خدا این عنایت را بر تو کرده چکار کردی؟ گفت نه، کاری به کسی ندارم، اهل پشت سر افراد حرف زدن نیستم و دائماً در چاه‌های عمیق هستم و روی زمین نیستم که بخواهم با کسی حرف بزنم، گفت من شب‌های شنبه خودمان که تعطیل هستیم عقب ماشینم را پر از مواد غذایی می‌کنم از چای، برنج، روغن، می‌روم اطراف تهران حلبی نشین‌ها و فقرایی که اطراف تهران هستم در خانه هایشان می‌گذارم و می‌روم، گفتم همین است، تو از خلق خدا دستگیری کردی، خدا هم از تو دستگیری کرده‌است.

این یک کرامتی است از حضرت معصومه، این بانو موجب هدایت غیر مسلمان است و حتی نظر می‌کند به کسی که غیر مسلمان است، این چطور می‌شود؟ این‌که امام هشتم (علیه السلام) می‌فرماید من زارها کمن زارنی، حالا نمی‌خواهیم بگوئیم این تنزیل من جمیع الجهات است ولی از خود همین من زارها کمن زارنی زیارت از راه دور هم استفاده می‌شود، من زارها وجبت له الجنة که از سه امام رسیده، یکی از امام صادق علیه السلام رسیده قبل از این‌که موسی بن جعفر علیهما السلام به دنیا بیاید،

یعنی امام کاظم به دنیا نیامده و حضرت معصومه به دنیا نیامده و امام صادق (علیه السلام) در حق حضرت معصومه سلام الله علیها این را فرموده، معلوم می‌شود که این بانو یک عظمت و اعتبار ویژه‌ای دارد، یک خصوصیتی دارد.

اینکه از جهت علمی عده‌ای از همین قم به مدینه رفتند و در خانه امام کاظم علیه السلام، حضرت نبود و اینها سؤالاتی داشتند، حضرت معصومه (علیها السلام) در خانه را باز کرده بودند سؤالات را گرفتند و گفتند صبر کنید من جواب را برایتان بیاورم، خود حضرت معصومه (علیها السلام) همه جوابها را نوشتند و اینها گرفتند در بین راه امام را دیدند امام جوابها را دید و فرمود فداها أبوها، این تعبیر یک تعبیر مبالغه‌ای نیست امام می‌گوید فداها أبوها. ارتباط پدری و دختری نیست، فداها أبوها، معلوم می‌شود این یک مقامی دارد لذا این تردیدها را نکنید، این دقت‌های این چینی نیست.

مذاق شریعت در احکام

یک وقتی من معتقد بودم باید یک فقه الزیاره‌ای درست کنیم، من یک سفری به عتبات مشرف شدم سؤالات زیادی از جهت فقهی برای خودم مطرح بود آیا همان اذن دخولی که ما در تشریف برای معصومین داریم اینجا هم اذن دخول لازم است یا مستحب است یا نه؟ زیارت که می‌کنیم همه خصوصیاتش را داشته باشیم.

من یک وقتی شنیدم از یکی از مراجعی که به رحمت خدا رفته سؤال شده که برای من خیلی هم تعجب است، آقا ما زیارت جامعه را هم اینجا بخوانیم؟ فرمودند بخوانید، فرمودند زیارت جامعه منحصر به ائمه معصومین (علیهم السلام) است، حالا ایشان خواستند از آن اهل‌البیتش یک مقدار توسعه بدهند که بسیار مشکل است. روی عظمتی که حضرت معصومه (سلام الله علیها) دارد یک چنین نظری را دیدم در استفتاءات‌شان موجود است. اما نماز اینجا مساوی با نماز مسجد جامع است نمی‌توانیم بگوئیم! یعنی ظاهراً دلیل نداریم که حرم، حتی حرم امام معصوم (علیه السلام)، آن طوری که من در ذهنم هست دلیل نداریم که نماز در حرم مساوی با مسجد الحرام یا مسجد النبی است!

مرحوم والد ما راجع به آن تعبیری که خدای تبارک و تعالی وعده کرده اجابت را تحت قبه الحسین، ایشان قبه الحسین را زیر گنبد مخصوص امام حسین (علیه السلام) نمی‌دانند، می‌فرماید هر جایی قبه الحسین شد، هر جا خیمه‌ای زده شد، هر جا به عنوان مجلس امام حسین (علیه السلام) برپا شد ولو در یک آپارتمان 50 طبقه در یک طبقه‌اش باشد، ایشان می‌فرمود دعا تحت قبه الحسین اطلاقش همه اینها را شامل می‌شود. من برای خودم یک مقداری فکر می‌کردم که ایشان اول کسی است که این نظر را داده رفتیم دیدم در کامل الزیارات، مرحوم شوشتری در خصائص هم دیدم این نظر را دارند، ایشان هم می‌گویند هر جا خیمه‌ای به نام امام حسین (علیه السلام) برپا شد.

شما که با فقه مأنوس هستید دقت کنید؛ فقه و اجتهاد به ما تنزیل را یاد داده یعنی در شریعت شارع می‌آید یک اموری را نازل منزله‌ای امور دیگر قرار می‌دهد و حالا چه استبعادی دارد بگوئیم این قبه‌ی اصلی همان است اما هر جا به نام امام حسین (علیه السلام) شد این هم نازل منزله‌ی آن است. شما وقتی مذاق شارع را به دست آوردید با مذاق شارع می‌شود چنین هدفی را دنبال کرد. یکی از خصوصیات فقه جواهری تکیه روی مذاق شرع و شریعت است، فقیه است که می‌تواند مذاق شریعت را به دست بیاورد، محدث هم نمی‌تواند، مفسر هم نمی‌تواند، فیلسوف هم نمی‌تواند، عارف هم نمی‌تواند، فقیه می‌تواند مذاق شریعت را به دست بیاورد.

یکی از آقایان بزرگوار در یکی از برنامه‌های تلویزیونی فرموده بود که ماه ذی‌القعدة و دهه اول ذی‌حجه سفارش مخصوص به چله‌نشینی است. از من سؤال کردند، گفتم: چنین مطلبی ثابت نیست.

یکشنبه اول ماه ذیقعه؛ نماز خاصی دارد، یازدهم ماه؛ ولادت امام هشتم (ع) است، بیست و پنجم ماه؛ دحو الارض است، بیست و سوم ماه شهادت امام رضا (ع) است، اما عنوان خاصی به عنوان چله‌نشینی در ایام ذی قعه نداریم.

ایشان گفته بود چون حضرت موسی (علی نبینا و آله و علیه السلام) اول ذی قعه برای مناجات با خدا به کوه طور رفت و بعد هم خدا فرمود «أتمناها بعشر» و ده روز بر آن افزود، ما از این چله‌نشینی را درآورده و سفارش می‌کنیم به مردم برای مراقبت در این چهل روز.

من با ایشان تماس گرفتم، ایشان این مطلب را به یکی از علمای اخلاق اسناد داد.

گفتم این مطلب که در این ایام حضرت موسی به کوه طور رفته دلیل نمی‌شود که شارع بگوید تو از اول ذی قعه تا آخر دهم ماه ذی‌حجه بنشین و ذکر بگو. دلیل دیگری هم که وجود ندارد. حتی از عبارت «من أخلص لله أربعين صباحاً جرت ينابيع الحكمة من قلبه إلى لسانه» هم نمی‌شود چله‌نشینی را استفاده کرد، «من أخلص لله أربعين صباحاً» نمی‌گوید تو از خانه‌ات بیرون نرو، چهل روز در زیرزمین یا پستوی خانه‌ات عبادت کن. خیر، تو همان زندگی‌ات را بکن، منتها با مراقبت و اگر توانستید در تمام لحظات این چهل روز در همه حرکات خود؛ حرف زدن، خوردن و خوابیدن، نگاه کردن و... اخلاص داشته باشید آن‌گاه خدای تبارک و تعالی چشمه‌های حکمت را از قلب شما بر زبانتان جاری می‌سازد.

این معنا چه ربطی به چله‌نشینی دارد؟ ما در منابع دینی چیزی به نام چله‌نشینی نداریم! این حرف عرفا و صوفیان است، اما در دین چنین چیزی نیست.

این‌که می‌خواهم عرض کنم فقیه می‌تواند بفهمد آیا این در دین وجود دارد یا نه؟ مذاق شریعت را فقیه می‌تواند بفهمد مذاق شریعت را غیر از فقیه احدی نمی‌تواند بفهمد آن هم کدام فقیه؟ نه یک آدمی که یک مدتی درس خارج خوانده، حتی یک مدتی درس خارج گفته، یک فقهی که با قرآن تا اندازه‌ای انس دارد، بر روایات احاطه دارد، اقوال قدما را می‌داند، و همه اینها وقتی احاطه‌ای داشته باشد می‌تواند مذاق شریعت را استنباط کند و استخراج کند، از مذاق شریعت می‌شود چیزهایی به خوبی در بیاوریم.

مذاق شریعت مسلم حجیت دارد، ما قائلیم به این‌که حجیت دارد چون اقوی از ظواهر و اقوی از خبر واحد است و اقوی از این ادله‌ای است که حجیتش برای ما مسلم است. الآن می‌گویند مذاق شریعت بر این است که زن عهده‌دار منصب امامت، ریاست (معنوی) مثل مرجعیت نشود. مذاق شریعت بر این است که وقتی ما می‌بینیم خدای تبارک و تعالی در میان این همه انبیاء یک زن را به عنوان نبی قرار نداده، یک زن را به عنوان امام قرار نداده ما می‌فهمیم شارع در منصب‌های بسیار خطیر معنوی می‌گوید مرد به میان بیاید، البته این دلیل بر مرجوح بودن زن نیست، زن را می‌خواهد مصون باشد از بسیاری از مشکلات و بسیاری از حوادث، شما ببینید این همه پیامبر ما را شکنجه کردند، پیامبران گذشته را مورد قتل قرار می‌دادند، از طلوع فجر تا طلوع آفتاب در یک روز بنی اسرائیل بر حسب نقل 70 پیغمبر را کشتند، برای این‌که زن مصون از این حوادث و مشکلات باشد، می‌گویند پس زن قابلیت ندارد! نه به این معنا نیست، فقط مجرد قابلیت نیست باید حوادثی که اتفاق می‌افتد و مسائلی که می‌خواهد اتفاق بیفتد.

حالا مرحوم آقای خوئی (قدس سره) در بحث اجتهاد و تقلید می‌فرماید ما از مذاق شریعت استفاده می‌کنیم که زن نمی‌تواند مرجع تقلید باشد و ما هم فرمایش ایشان را قبول کردیم، مذاق شریعت را هر کسی نمی‌تواند ادعا کند اما اگر برای کسی مذاق شریعت روشن شد به عنوان یک دلیل هست.

امیدواریم ان شاء الله بی‌بی حضرت معصومه سلام الله علیها ما را کمک کند در راه هدایت، راه علم، راه تقوا، راه بصیرت، راه خدمت به دین، خدمت به انقلاب، خدمت به مردم، همه این امور را باید از این بی‌بی استمداد کنیم و مطمئن هستیم که ان شاء الله

حضرت عنایت خاصی را خواهد کرد.

و صلّی الله علی محمد و آله الطاهرين

[1] احزاب، 33.